



۲۰۱۸/۰۳/۲۸



احسان الله مایار

از کافرستان تا نورستان

اهداء به روان پاک نور علم نورستانی، معلم سپورت لیسه عالی نجات
قسمت اول

روزی در حافظه ام قد بلندک کرد که سکرتر مرحوم داکتر محمد یوسف، وزیر معادن و صنایع به دفترم، مدیریت عمومی تخنیک، اطلاع داد که وزیر صاحب می خواهد مرا ببیند. گذارشات مربوط به سال های ۱۹۶۱ و ۱۹۶۲ ام می باشد.

چند ورق عرض و کار های انکشاف "پارک صنعتی پل چرخی" را که در آن زمان روی دست داشتم با خود گرفته خدمت وزیر رسیدم.

وزیر صاحب بعد از مختصر سلام علیکی به کاغذ های دوسیه ام اشاره نموده گفت: "در باره این موضوعات روز دیگر صحبت می کنیم" و اضافه کرد:

اعلیحضرت بنده را مؤظف ساخته اند تا هیئتی به منظور انکشاف صنعتی نورستان به آنجا بفرستم و این وظیفه را به خودت محول می دارم تا با همکاری ریاست انکشاف دهات سرشته رفتنت را به نورستان نموده و راپور مفصلی ترتیب بنمائی.



نورستان- شمال شرق کابل

دو سه روز بعد از تماس گرفتن با رئیس انکشاف دهات، آقای عبدالوهاب ملکیار که از پدر ها با هم دوستی داشتیم یک نفر مسئول معارف منطقه را برایم معرفی کرد و با وی یک نفر از همکار های ریاست صنایع را با خود همراه ساخته با موتر جیب روسی و دریور آن عازم نورستان شدیم.

شخص معرفی شده انکشاف دهات انسان با معلومات بوده و دره به دره نورستان را بلد بود و در عین زمان مرد خوش صحبتی که با رویداد های از خاطراتش سفر ما را رنگین می گردانید.

دوست همسفر ما "معلم صاحب" اظهار داشت که مردم نورستان در سطح زندگی و نبود عواید مواجه بوده و از هر ناحیه نظر ایجاب می کند تا در انکشاف منطقه خدمت نمود. وی طور مثال اضافه کرد حتی نسبت به نبود گوگرد که به مثابه جنس لوکس ارز می شود، مشکل دارند. وی پیشنهاد نمود اگر چند بسته گوگرد خریداری کنیم و برایشان تحفه بدهیم یقین باعث خوشنودی شان می شود. از بازار سر راه چند گرز گوگرد و یک مقدار شیرینی خریداری کردم و به سفر خود ادامه دادیم.

نسبت به خرابی سرک در حوالی عصر به (اسعد آباد) چغه سرای مواصلت کردیم و در صدد جای شب گذرانی شدیم. معلم صاحب گفت در این جا غیر از چند دکان و یک چونی کوچک عسکری دیگر جایی نیست که شب را تیر کنیم، اما دکان های ستره پیدا می شود.

در آن وقت مواصلت یک موتر با چند نفر از کابل در بازار یک هنگامه کلان به شمار میرفت و هنوز چند دقیقه ای سپری نگردیده بود که یک دگروال با دوسه نفر از صاحبمنصبان همرايش با ما مانده نباشی کرده و زمانیکه بنده خود را معرفی کردم دگروال با محبت مرا در آغوش گرفت و گفت که وی قوماندان غند کوهی و از وردگ می باشد. بعد از مصافحه "نان ما در روغن شد" و ما را در دفتر خود دعوت نمود. از اطاق کارش منظره زیبای کوه ها پُر از جنگل چشم های انسان را خیره می کرد. شب را در اسعد آباد سپری نمودیم و روز بعد که مصادف به روز جمعه بود قوماندان ما را دعوت کباب به کنار دریای "لندی سین" نمود که تقریباً ده پانزده نفر کنار دریا گذشتانندیم.

در اینجا از چند سال باینطرف یک فابریکه نسبتاً مجهز نجاری مربوط به وزارت معادن و صنایع داریم و این سفر وسیله ای را فراهم آورد که از آن جا نیز بازدید نمایم.

روز بعد به سفر خود ادامه دادیم و بعد از ساعتی دروازه بهشت روی زمین به روی ما باز شد.

بنده که سال ها در اروپا گذشتانده ام و کمتر کشوری از اروپا وجود دارد که ندیده باشم لیک زیبایی نورستان را نمیتوان با هیچ جایی آن مقایسه کرد. نورستان از روزیکه خداوند آنرا روی زمین خلق کردیده کمتر دست بشر در آن دست بازی نموده و ازینرو اکثر نقاط آن به شکل پکر طبیعت باقی مانده و این غنیمتی است که کمتر در جهان میسر می گردد.

متأسفانه نسبت به حرص و آز یک عده مردم با قدرت در قطع نمودن درخت، مخصوصاً درخت ارچه و بلوت



به سرحد جنایت دست بازی نموده مناطق جنوبی و جنوب شرقی جنگل دار افغانستان را، از این نعمت بزرگ طبیعی محروم می گردانند.

یکی از عوامل به کار انداختن فابریکه نجاری چغه سرای بمنظور جلوگیری از قطع نمودن غیر فنیی درختان ارچه و بلوت بوده تا به صورت تخنیکي

و محاسبه شده بدسترس مستهلکین رسانده شده بتواند. با آنهم جلو صادرات غیر قانونی چوب به پاکستان از جمله ناممکنات بوده که شاید روزی جلوگیری آن شده بتواند.

بر می گردم به نورستان:

غنیمت است که در باره نورستان در دهه دوم قرن بیست و یک می نویسم، زیرا با فشار روی کیبورد کمپیوتر و نوشتن گوگل دنیای غنی نورستان روی صفحه مونیتر باز می شود و انسان را با تعجب مصادف می گرداند. و اینک یک منظره از نورستان که در طول سفر ما را بدرقه می کرد که تا امروز فراموش ذهنم نگردیده است. در طول سفر ده ها طفل خورد سال کنار جاده ایستاده و با دستک های کوچک خود معصومانه مانند یک فرشته گگ علامه "گوگرد زدن" را اشاره و وقتیکه موتر را ایستاده می نمودیم و به دستک طفلک زیبای چشم آبی و

موی بلوند گوگرد و شیرینی را می گذاشتیم شور و شعفی در وجنه اش پدید می شد که تو گوئی یک جهان را برایش تحفه داده ایم و دوان دوان طرف پناه گاهش روان می شد. این صحنه نهایت نداشت و در طول اقامت نزدیک به یک ماه ما در نورستان بار ها تکرار با تکرار دوام داشت. سفر ما در یکی از ماه های تموز بود و تا جائیکه به یاد دارم درختان چارمغز پُر بار بود و از اینرو طالع نداشتیم که بهار نورستان را در زمان موج لاله آن ببینیم تا این منظره تا آخر عمر مرا به خود مصروف می داشت و از آن روح و جانم لذت می برد، ببینم. اینک عکسی به یاد دامان نورستان که با لاله و زیبایی اش رقابت با بزرگترین صحنه از رسم های کلود مونت امپرسیونیست بزرگ آرت جدید اواخر قرن ۱۹م فرانسوی کرده می تواند.



کلود مونت ۱۸۷۳ م از فرانسه



لاله زاریکی از دره های نورستان

بعد از سفر طولانی با تکان های موتر جیب که به حساب مردم ما "روده ها را به حلق می آورد" موتر ما کنار یک دریاچه نفس به راحت کشید و معلم صاحب گفت: بخیر به میردیش رسیدیم. در کنار جاده کم عرض خامه یک تعمیر زیبایی کوچک دامنزه مانند چشم ها را نوازش می داد و این تعمیرک را اعلیحضرت با ذوق خاص شان، مانند تعمیر زیبایی کنار ساحل دریاچه نغلو، اعمار نموده است. تعمیر را از بیرون دیدیم و دروازه آن قفل بود و نفر موظف کدام جایی رفته بود. تا جائیکه به خاطر دارم احتمال دارد که خالی از اشتباه نباشد بعد از این راه موتر رو وجود نداشت و متباقی زمان را و مطالعه ما و مواصلت به مناطق پای پیاده صورت می گرفت. قبل از آنکه در باره رویداد ها از سفر هیئت نگاشتنه شود در نظر است تا به معرفی مختصر از نورستان بنگارم تا برای کسانی که با نورستان بهشت آساء آشنائی ندارند، گمگی بلد شوند. از جمله نوشته های بیشمار در اینترنت در باره معرفی نورستان نوشته ای از رسانه پژواک شامل است که مختصر لیک با محتوای کامل نقد گردیده، از اینرو آنرا انتخاب و از نظر علاقمندان گرامی می گزرانم. معرفی ولایت نورستان (پژواک) ولایت نورستان یکی ولایات شمال شرقی کشور و یک منطقه تاریخی است که در دوره های مختلف به نام های مختلف مسمی گردیده است. ولایت نورستان از نگاه موقعیت جغرافیایی یک منطقه کوهستانی است که در زمان های قدیم بنام کافرستان یاد می شد و بلور یا بلورستان نام دیگر این ولایت میباشد؛ اما باید گفت که بلوریان تنها به منطقه نورستان نه، بلکه بعضی مناطق کنر، چترال و کاپیسا نیز مربوط ولایت بلورستان بود.

امیر عبدالرحمن خان پاچا افغانستان این منطقه بعد از عملیات نظامی در تصرف خود در آورد و شامل افغانستان شد این منطقه در آن زمان نیز به نام های کافرستان و بلورستان یاد می شد؛ اما بعداً تمام باشندگان این منطقه مشرف به اسلام شده اند و منطقه آنان به نام نورستان مسمی شد.

برخی بیشتر نورستان از دره ها، کوه ها و تپه ها تشکیل شده، مناطقی هموار ندارد. دارای زمین های کم زراعتی است و یک تعداد دریاها در آن جریان دارد که پل های چوبی بر فراز آن ساخته شده است.

مساحت ولایت نورستان ۹۲۶۷ کیلومتر مربع و نفوس آن در حدود چهار صد هزار تن تخمین شده؛ اما تعداد زیاد از باشندگان این ولایت در ولایات ننگرهار، لغمان و کنر مستقر اند. پارون مرکز ولایت نورستان میباشد. زبان اصلی مردم نورستان نورستانی، ۱۵ درصد مردم آن به زبان پشه یی صحبت کرده و یک صد باشندگان آن پشتون و در بعضی مناطق تاجک نیز وجود دارد؛ اما زبان اداری این ولایت پشتو است. این ولایت در شمال با ولایت بدخشان، در شرق با چترال و منطقه کشمیر پاکستان، در جنوب با ولایت کنر و در غرب با پنجشیر، کاپیسا و لغمان همسرحد است.

اقلیم نورستان:

اقلیم نورستان ملایم است، همه سال از ۶۰۰ تا ۸۰۰ ملی متر بارش دارد، بخش های شمالی نورستان در زمستان بسیار یخ و درجه حرارت تا منفی ده درجه سانتیگراد میرسد.

ولایت نورستان یک ولایت کوهستانی است. در فصل زمستان بارش شدید برف در آن صورت میگیرد و تمام راه های آن مسدود میشود، هوای این ولایت در زمستان شدیداً سرد؛ اما در فصل های دیگر سال معتدل و برخی مناطق آن در تابستان بسیار گرم میشود.

واحدهای اداری:

این ولایت به شمول مرکز از هشت واحد اداری تشکیل شده که عبارت است از: پارون (مرکز)، واما، کامدیش، پرگمتال، دواب، نورگرام، وانت وایگل و مندول.

معارف:

در ولایت نورستان تاکنون ۲۱۱ باب مکتب وجود دارد که دو لیسه، ۱۱۷ باب مکتب ابتدائیه و ۹۲ متوسطه می باشد.

همچنان در این ولایت ۲۰ باب مدرسه دینی، دو لیسه مسلکی زراعت و سه دارالمعلمین ها نیز وجود دارد و تعداد شاگردان در این ولایت به ۷۲۸۴۳ تن میرسد که ۴۴۲۰ تن آن ذکور و ۳۲۶۲۳ تن اناث میباشد.

تعداد معلمین این ولایت به ۱۲۷۰ تن میرسد که از جمله ۱۲۰ تن زن و متباقی مرد است. همچنان از جمع آنان ۳۰ تن مرد و ۴ تن زن معلم مسلکی می باشد.

در بخش تعلیمات اسلامی ۱۹۰ استاد وجود دارد که تنها ۱۲ تن آن زن است.

در حدود ۳۵ باب مکتب این ولایت مسدود شده و تنها ۶۵ باب مکتب نورستان تعمیر دارد.

زراعت:

برخی بیشتر مناطق نورستان جنگل زار و زمین های زراعتی در آن کمتر است. جنگلات این ولایت شامل جلعوز، چهارمغز، ارچه، ناجو، بلوط، شیشم، گل بید، چنار، نیمه چنار و همچو درخت های دیگر است. باغات میوه تازه در ولسوالی نورگرام نورستان غربی وجود دارد و یکتعداد مردم این ولایت مصروف مالداری میباشد.

صنعت:

مردم این ولایت به ویژه زنان نورستان مصروف صنایع دستی چون دوختن تیکه های پشمی و نخی میباشند و بعداً در ساخت لباس های محلی از آن کار میگیرند.

معادن زیاد در ولایت نورستان وجود دارد که به شکل غیرفنی و غیر قانونی استخراج میشود. تاکنون کدام فابریکه در ولایت نورستان دیده نمیشود. مسولین این ولایت می گویند که محیط و آب هوای نورستان برای ایجاد فابریکات و صنعت کاملاً مساعد است؛ اما تاکنون کدام سرمایه گذار در مورد اقدام نکرده است.

در ولایت نورستان فقط پکول وچپن به شکل شخصی ساخته میشود که بیشتر در این ولایت مورد استفاده قرار گرفته است.

مشاهیر:

نائب سالار عبدالوکیل خان، گل میرخان، فرمون خان، مولوی افضل، دولت انقلابی، عبدالله خان نورستانی، مولوی غلام ربانی، عبدالقدیر نورستانی، شیخ فضل احمد مسلم، سمیع الله، سلیمان، مجید رشیدی، سلطانه نورستانی، جنرال قیس و همچو افراد دیگر از چهره های شهیر این ولایت شمرده میشود.

کلتور:

رسم و رواج، عادات و فرهنگ باشندگان ولایت نورستان با مردم سایر ولایات دیگر کشور شباهت ندارد. برخی بیشتر مردم این ولایت مالدار هستند، خانه های دو منزله چوبی اعمار کرده که یک کلکین آن به طرف شرق و دیگر آن به سوی غرب باز میشود. روی چپرکت می خوابند و سر میز نان میخورند. لباس های آنان از پوست و پشم های حیوانات ساخته شده است. مردان آن از پکول استفاده کرده و پدر دختر از پدر بچه یک تعداد مواشی منحیث طویانه می گیرد.

خویشاوندان و دوستان خانواده عروس و داماد بز، گوسفند و یا مواشی دیگر منحیث تحفه به آنها میدهند، آن را حلال کرده و بعد آن را به ۲۴ قسمت تقسیم و برای پختن در دیگ انداخته میشود.

گوشت را نیم خام کرده و بعداً برای هر قسمت گوشت یک فرد ویژه ایستاده و آن قسمت به همین فرد مشخص میدهد

قسمت گوشت دیگر، به بزرگان و ملا امام قریه داده میشود که به آنان تسلیم میشود و در عروسی بجای نان دیگر، تنها گوشت داده میشود.

مردم این ولایت میتواند که به خانه های یک دیگر بدون کدام مشکل رفت آمده نمایند، زنان این ولایت از مردم بیگانه ستر نمی کنند.

فعالیت های دیگر فرهنگی در این ولایت صفر است، تنها یک رادیو در نورگرام و یک رادیو دولتی در پارون فعالیت دارد.

این ولایت از موسیقی ویژه محلی نیز برخوردار است که با سامان آلات ویژه چون دب و تمبل کوچک در روزهای شادی نواخته میشود و علاقه مندان خاص دارند.

علاوه بر آن نواختن توله و یک نوع سیتار خاص که در نورستان ساخته و به نام واج یاد میشود، نیز در موسیقی محلی نواخته میشود.

ورزش:

بازی های مختلف محلی چون خوسی، توپ دنده، واوروکی و همچو دیگر در ولایت نورستان مروج است. بازی انگشت از بازی های مشهور نورستان است که در فصل زمستان از سوی اکثریت مردم نورستان اجرا میشود؛ اما بازی های دیگر فزیکي چون خوسی ، توپ دنده ، دز غپی و همچو بازی های دیگر در فصل های بهار و تابستان بازی میشود.علاقه مندان و بازی کنان والیبالی، نسبت به هر نوع بازی دیگر بیشتر است. اما اخیراً بازی کرکت مثل سایر ولایات کشور در نورستان نیز رشد کرده و این ولایت از یک تیم منتخب برجسته کرکت برخوردار است که اکثراً در مسابقات ولایتی خوب درخشیده و گاه گاهی مسابقات کرکت نیز در پارون مرکز ولایت برگزار می نماید.

ادامه دارد

